

احمد شاملو:



## خطابه‌ی تدفین (برای ارنستو چه‌گوارا)

خافلان  
هم‌سازند،  
تنها توفان  
... کودکان ناهمگون می‌زاید.  
هم‌ساز  
سایه‌سانانند،  
محتاط  
در مرزهای آفتاب.  
در هیأتِ زندگان  
مردگانند.

وینان  
دل به دریا افگناند،  
به پای دارنده‌ی آتش‌ها  
زندگانی  
دوشادوش مرگ  
پیشاپیش مرگ  
هماره زنده از آن سپس که با مرگ  
و همواره بدان نام  
که زیسته بودند،  
که تباهی  
از درگاه بلندِ خاطریشان  
شرمسار و سرافکنده می‌گذرد.

کاشفان چشمه  
کاشفان فروتن شوکران  
جویندگان شادی  
در مجری آتشفشان‌ها  
شعبده‌بازان لبخند  
در شبکلاه درد  
با جاپایی ژرف‌تر از شادی  
در گذرگاه پرنندگان  
در برابر تُندر می‌ایستند  
خانه را روشن می‌کنند.  
و می‌میرند.

(احمد شاملو در کتاب دشنه در دیس ۱۳۵۴)